

### خبر

### پخش رضانی «نون خ» قوت گرفت

**بخش فرهنگی** – احتمال پخش سریال «نون خ» در ایام رمضان قوت گرفت؛ همچنین انتظار می‌رود این سریال طنز در تعداد قسمت‌هایی بیش از ۲۰ قسمت روی آنتن برود.

به گزارش ایسنا، ساخت سریال «نون خ» به کارگردانی سعید آقاخانی و تهیه‌کنندگی مهدی فرجی از آبان ماه امسال آغاز شد و حالا پس از گذشت بیش از چهار ماه، تصویربرداری این سریال به اتمام رسیده و به گفته سازندگان در مرحله تدوین نهایی است. «نون خ» قرار است با بیش از ۲۰ قسمت برای پخش از ایام نوروز و همچنین ماه رمضان از شبکه یک سیما آماده شود.

این سریال طنز در فصل‌های گذشته پرداختن به مساله کرونا و همچنین فضای گرم و صمیمانه روستاها و کمپودهای موجود در این مناطق از جمله کردستان و کرمانشاه را دستمایه طنز قرار داد. فصل اول این سریال در فروردین ۹۸ در ۱۵ قسمت روی آنتن رفت. فصل دوم آن نیز در ۱۷ قسمت در فروردین ۹۹ روی آنتن رفت و فصل سوم آن در ۱۶ قسمت فروردین ۱۴۰۰ روی آنتن رفت. آنچه که مسلم است تعداد قسمت های فصل چهارم «نون خ» نسبت به فواصل گذشته بیشتر است و شاید دلیل آن را قرار گرفتن در مناسبت نوروز و رمضان عنوان کرد و باید دید سعید آقاخانی چه سوزهایی را در این فصل و با کمک بازیگران جدیدش دست مایه طنز قرار داده است.

داستان سریال «نون خ» از فصل اول تا سوم درباره زندگی نورالدین خانزاده با بازی (سعید آقاخانی) است که در استان کرمانشاه زندگی می کند و اتفاقاتی که برای خانواده و دخترهایش و همچنین اهالی روستا رخ می دهد، مسیر قصه را تعیین می کند. در این سریال بازیگران دیگری همچون علی صادقی، هدیه بازوند، علی صالحی، میرطاهر مظلومی، کاظم نوربخش، نسرين مرادی، صهبا شرافتی، فریده سپاه منصور، حمیدرضا آذرنگ و… به ایفای نقش پرداخته‌اند و حسن معجونی جدیدترین بازیگری است که در فصل چهار به جمع بازیگران پیوسته است.

فصل چهارم سریال «نون خ» آبان ماه در منطقه خجیر تهران وارد مرحله تصویربرداری شد. سریال «نون خ» به کارگردانی سعید آقاخانی از مجموعه‌های طنز در سال‌های اخیر است که ساخت آن تا فصل چهارم ادامه پیدا کرده است و در فصل جدید نیز بازیگرانی از جمله حسن معجونی، سعید آقاخانی و حمیدرضا آذرنگ در کنار بازیگران فواصل گذشته به ایفای نقش می‌پردازند.

●●●●●

### «بچه زرنگ» جدید رمضان می‌آید

**بخش فرهنگی** – فصل دوم مجموعه «بچه زرنگ» در ۱۰ قسمت برای پخش در دهه سوم ماه مبارک رمضان ۱۴۰۲ تولید می‌شود. به نقل از روابط عمومی شبکه دو، فصل دوم «بچه زرنگ» در ادامه فصل اول به زندگی پنج شهید مدافع حرم لشگر فاطمیون و پنج شهید مدافع حرم مشهدی می‌پردازد. نویسندگان این مجموعه عباس هادیان و طاهر ولی‌پور هستند. این مجموعه مستند نمایشی توسط ابوالفضل حاجتمند تهیه می‌شود و با کارگردانی هادی حاجتمند، محمد مهدی خالقی، حسین امانی و جواد عزیزانه جلوی دوربین می‌رود.

داستان‌های فصل اول «بچه زرنگ» درباره چگونگی اعزام هشت تن از شهدای مدافع حرم اهل مشهد بود که با وجود موانع مختلف و تلاش فراوان خود را به سوریه و مناطق جنگی این کشور رساندند. بازی برادر برخی شهدا در نقش شهید، حضور برخی از مادران شهدا و استفاده از خانه مدافعان حرم در برخی از قسمت‌های این مجموعه به عنوان لوکیشن اصلی از جمله ویژگی‌های داکیدورام «بچه زرنگ» در فصل اول بود.

●●●●●

### «دی کاپریو» روی رمان

### «استفن کینگ» دست گذاشت

**بخش فرهنگی** – «لئوناردو دی‌کاپریو» و «جی جی ابرامز» تهیه‌کنندگی فیلم اقتباسی جدید بر اساس رمان «بیلی سامرز» اثر «استفن کینگ» را بر عهده گرفتند.

به نقل از مویی وب، برادران وارنر حقوق اقتباس سینمایی از رمان «بیلی سامرز» اثر «استفن کینگ» را در حالی بر عهده گرفت که «جی‌جی ابرامز» و «لئوناردو دی‌کاپریو» قرار است به عنوان تهیه‌کننده به این پروژه حلق شوند.

نشریه ددلاین سال گذشته تأیید کرده بود که این رمان قرار است به عنوان یک سریال کوتاه ۱۰ قسمتی اقتباس شود و از طریق شبکه‌های مختلف خرید شده است. با این حال، طرح اولیه تغییر کرد زیرا خلاقان پشت پروژه معتقدند که این رمان به عنوان یک فیلم بلند اقتباس شود و حالا «اد زویک» و «مارشال هرسکوویتز» نگارش فیلمنامه اقتباس را بر عهده خواهند داشت.

جزئیات بیشتری در مورد این پروژه فاش نشده است، اما برخی منابع گزارش داده‌اند این فیلم می‌تواند پروژه‌ای برای «جی‌جی ابرامز» برای کارگردانی و «دی کاپریو» در نقش شخصیت اصلی باشد. داستان رمان «بیل سامرز» درباره قاتلی به همین نام است که قصد دارد به زودی بازنشسته شود، بنابراین آخرین شغل را انتخاب می کند. یک رئیس گروه تبهکاران او را استخدام می کند و شغل بسیار پردرآمد که مسئولم تلاش های طاقت فرسایی است را به او به پیشنهاد می کند. بیلی سامرز وظیفه داشت به عنوان یک نویسنده مشتاق وانمود کند. با گذشت زمان، قاتل نسبت به کاری که برای انجام آن استخدام شده بود بدبین و مضطرب تر می شود. دلهره های او از همان ابتدا درست بود، زیرا به محض تکمیل کار، همه چیز به سرعت رو به وخامت می‌رود. «استفن کینگ» خالق بیش از ۲۰۰ اثر ادبی در ژانرهای وحشت و خیال‌پردازی است. او نویسنده‌ی را در سن هفت‌سالگی آغاز کرد و با نام‌های مستعار «ریچارد پاکمن» و «جان سوئیتن» آثار متعددی نوشته است. رمان‌های «کینگ» چنان با استقبال گرمی از سوی خوانندگان او روبه‌رو شد که فیلم‌های زیادی بر اساس آن‌ها در سینما ساخته شد. کارگردانان مطرح با اقتباس از رمان‌های او فیلم‌های بسیاری ساخته‌اند. برخی از این فیلم‌ها با بازی درخشان بازیگران نام‌دار بر پرده رفته که از آن جمله می‌توان به «درخشش»، «مسیر سبز»، «رهایی از شاتوشنگ»، «آن»، «مه»، «میزری» و «۱۴۰۸» اشاره کرد.

## {فرهنگی}

# جسورانه در مضمون و نحوه روایت

پیش می رود و چفت و بست ها روی کاغد به خوبی شکل گرفته و برای یک فیلمساز اول، یک قدم مثبت محسوب می شود.

جواد عزتی هرچند طراحی گریم اش با کاراکتر همخوانی ندارد، اما سعی کرده است که بازی تازه ای ارائه کند تا فرق سبک بازیگری اش را در اینجا؛ متفاوت جلوه دهد و تا حدودی هم توانسته این تغییرات را ایجاد کند اما در مقابل عزتی، پانته آ پناهی ها هم با حضوری کوتاه، قدرت بازیگری اش را به رخ می کشد و کارگردان اول این فیلم به اندازه و درست از ظرفیت بازیگری اش بهره می برد تا شخصیت اش شکل بگیرد.

«کت چرمی» در بحث فنی و تکنیکال هم از طراحان فنی بهره گرفته است. آرمان فیاض در مقام مدیر فیلمبرداری این اثر که سیمرغی سال گذشته محسوب می شود، در خلق قاب بندی اش که منحصر به خود او است، لحن تازه ای را برای یک فیلم با مضمون اجتماعی انتخاب کرده است که در آرامش و بدون اضافه کاری و هیاهوی بیپهوده کارش را انجام داده و ماحصل آن با کیفیت بوده است.

موسیقی سخاوت دوست هم در این اثر قابل تامل است و در خدمت اثر شکل گرفته است و همانند یک شخصیت عمل می کند و در نهایت ترکیب بازیگران تازه اش که کمتر از آن ها در سینما تماشا کردیم یک برگ برنده است، امین میری، بهزاد خلج که ذات تئاتری دارند، حضوری به اندازه و تاثیرگذار در روند روایت قصه دارند.

«کت چرمی» شاید فیلم اول شگفت انگیزی نباشد اما در حد و استاندارد های یک فیلمساز اول، فیلم اجتماعی مهم محسوب می شود.

✽ **منتقد سینما**

#### کارگردان فیلم مطرح کرد

## «بچه زرنگ» در دو نسخه داخلی و خارجی آماده پخش می‌شود

باشند و روی فیلمنامه بیشتر کار کنند.

جنتی درباره تفاوت نسخه اکران انیمیشن «بچه زرنگ» در کشورهای مسلمان با دیگر کشورها گفت: در هر جامعه‌ای یک فرهنگ وجود دارد و مخاطب پیش‌زمینه‌ای دارد که به سینما می‌آید. ممکن است شما مسئله‌ای را در یک فیلم مطرح کنید که مردم یک کشور به خوبی با آن ارتباط برقرار کنند اما مردم یک کشور دیگر اصلاً متوجه نشوند که منظور شما چه بود. ما بر مبنای شناختی که از مخاطب داشتیم یکسری مسائل در نسخه داخلی داریم که در نسخه خارجی وجود ندارد و البته یکسری مسائل هم در نسخه خارجی وجود دارد که در نسخه اکران داخلی وجود ندارد. در حقیقت ما در نسخه خارجی ساده‌تر صحبت کردیم ولی در نسخه ایرانی مقداری روی پیش‌زمینه ذهنی مخاطب هم حساب کردیم، و تفاوت دو نسخه تنها به این دو مورد مربوط می‌شود.

وی افزود: اگر بخواهم دقیق‌تر بگویم این تفاوت‌ها به دیالوگ‌ها و شوخی‌ها مربوط می‌شود. تفاوت‌ها نسبتاً چشم‌گیر است و ما ناگزیر به این تفاوت بودیم. به عنوان مثال شاید شما در جمع هموطنانتان به شوخی جمله‌ای بگویید که همه بخندند اما در جمعی با چند فرد غیر ایرانی بیان همان جمله بی‌معنا و بی‌ربط به نظر برسد. به دلیل این تفاوت‌ها ما در اسامی، لوکیشن‌ها، روابط و… تفاوت‌ها و تغییراتی بین این دو نسخه ایجاد کردیم تا مخاطب خارجی هم جزئیات را متوجه شود.

جنتی در پایان درباره عنوان «بچه زرنگ» که شاید کمی بار منفی هم داشته باشد، توضیح داد و گفت: نه به نظرم این عنوان بار منفی ندارد. «بچه زرنگ» یک اصطلاح در ادبیات عامیانه است و بارها از این کلمه استفاده می‌کنیم و مثلاً می‌گوییم؛ «فلانی می‌خواهد بچه زرنگ‌بازی» در.بیاورد. شخصیت اصلی هم در واقع بچه خودش را بچه زرنگ می‌داند و به همین دلیل خرابکاری‌های زیادی به بار می‌آورد که مسیر قصه را شکل می‌دهد و در نهایت هم به اشتباهات خود پی می‌برد و می‌فهمد که این روش برای قهرمان بودن اشتباه بوده است.

## ایران ۳۴ میلیون گیمر دارد

جوان، ۱۹ درصد نوجوان، ۱۷ درصد کودک، ۹ درصد خردسال هستند.

در بخش پلنفرم‌های بازی، ۹۶ درصد بازیکنان با موبایل، ۸۸ درصد با کنسول خانگی، ۵۹ درصد با رایانهٔ شخصی، ۴۸ درصد با لپ‌تاپ، ۱۴ درصد با تبلت و ۱۳ درصد با کنسول دستی بازی می‌کنند. ۳۲ درصد بازیکنان با چند پلنفرم بازی می‌کنند.

در میان استان‌ها، «قم» کمترین و «البرز» بیشترین نسبت بازیکنان را دارد. استان فارس بعد از البرز در رتبهٔ دوم بیشترین تعداد گیمر را نسبت به جمعیت دارد. «سیستان‌بلوچستان»، «زنجان» و «خراسان جنوبی»

نیز استان‌هایی با کمترین تعداد بازیکن هستند.

بازی‌های «تام، گربهٔ سخن‌گو»، «ماشین‌بازی» و «آرایشگری» محبوب‌ترین بازی‌های رده سنی خردسال و کودکان، «CALL OF DUTY»، «FIFA»، «PES» و «DUTY» محبوب‌ترین بازی‌های رده سنی جوانان، نوجوانان و بزرگسالان و «آمیازا»، «شترنخ» و «جدول» بازی‌های محبوب رده سنی میانسالان است. گروه‌های سنی خردسال و کودک و بازی‌های پرتطرفدارشان را با عناوینی کلی مانند ماشین‌بازی، آرایشگری و … به یاد می‌آورند.

مجموع هزینه‌کرد بازیکنان ایرانی برای سخت‌افزار و نرم‌افزارهای بازی‌های دیجیتال در سال ۱۴۰۰ ، ۱۹ میلیارد و ۲۷۹ میلیون تومان برآورد شده‌است که تقریباً

با ۷۳۹ میلیون دلار برابری می‌کند. همچنین تولید ناخالص داخلی کشور در این عرصه نیز یک‌هزار میلیارد و ۴۵۷ میلیون تومان تخمین زده می‌شود. این رقم به تفکیک برای هزینه‌های نرم‌افزاری دو میلیارد و ۶۱۲ میلیون تومان و برای هزینه‌های سخت‌افزاری ۱۶ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان برآورد می‌شود.

سهام افرادی که در پلنفرم‌های مختلف به تماشای بازی دیگران می‌نشینند (استریمینگ) نیز رقم چشمگیری است. ۳۸ درصد علاقه‌مندان از بوتوب، ۲۹ درصد از آپارات، ۶ درصد از توییح و ۲۷ درصد از سایر پلنفرم‌ها بازی‌ها را دنبال می‌کنند.

✽ تمام آمارها در سال ۱۴۰۰ و پیش از اعمال محدودیت‌های اینترنت در شش‌ماههٔ اخیر گردآوری شده است.

### نقد فیلم

نگاهی به «آه سرد»

### ناتوان در ساختن خیال و تعلیق



محمد قربانی ✽

فیلم با نمای غریبی از یک جنازه که پشت یک وانت است شروع میشود، مردی که قاتل همسرش است، پس از بیست سال از زندان آزاد شده و پسرش که در فکر انتقام است به استقبال او می رود.

گویا قرار است هر سال یک فیلم در کوهستان و لوکیشن های پر از برف داشته باشیم، از همان فیلم ها که انگار دوربینشان هم یخ زده و ما مخاطبین عام سواد فهم و درکشان را نداریم. پارسال «برف آخر» و امسال هم «آه سرد» شاید اگر بگردیم به رمان، داستان کوتاه یا هایکویی که منبع الهام این فیلم هاست برسیم و بالاخره بفهمیم که چرا همه این فیلم ها یک قتل ناموسی هم دارند.

فیلم با نمای غریبی از یک جنازه که پشت یک وانت است شروع میشود، مردی که قاتل همسرش است، پس از بیست سال از زندان آزاد شده و پسرش که در فکر انتقام است به استقبال او می رود.

البته ما نسبت این دو نفر را که مدام با هم کلنجار میروند و یکی از آنها قصد جان دیگری را دارد پس از یک ساعت میفهمیم؛ احتمالاً با توجه به سردی هوا و کش آمدن زمان این مسئله منطقی باشد همه فیلم در جاده برفی حدفاصل زندان تا خانه می گذرد.

این دست فیلم ها معمولاً مدعی داشتن مخاطب خاص هستند و قرار است پیرو سینمای کالت اروپا باشند. اما متأسفانه زیستی که میدهد فیلم کالت را ندارند و به راحتی به دام کلیشه میافتند.

فیلم پر است از اکسترم لانگ های بی معنی از کوهستان برفی که قرار است فضای سرد بسازند تراکیبتگ های کند، نماهای نمادین و مکتبهای طولانی و… دیگر کلیشه هایی هستند که بیکارکرد و دلیل سراسر فیلم را در پر کرده اند. گویا هوای سرد لوکیشن موجب یخ زدگی فیلمبردار، بازیگران و کارگردان شده است و این یعنی فضاسازی سرد و حتماً آهی هم اگر در این هوا کشیده شود آه سردی خواهد بود.

پسر چند براری در فیلم قصد جان پدرش را میکند که در همه موارد فیلمساز به دلیل ناتوانی در ساختن خیال و تعلیق دست به فریب تماشاگر میزند، در اولین سوءقصد پسر با تفنگش پدر را نشانه میروند دوربین از پشت به پدر که از ماشین پیاده شده و در لانگ شات سیگار میکشد نزدیک میشود، صدای نفس نفس زدن شنیده می شود و ناگهان تیری رها می شود.

پس از این پسر را میبینیم که کنار ماشینش سرد بی حس ایستاده و پدر را نگاه میکند، اولاً نزدیک شدن دوربین به پدر وقتی نشانه گرفته شدنش از دور را دیده ایم غلط است و ثانیاً این سؤال پیش می آید که چه چیزی پسر را به نفس نفس زدن انداخته؟ ترس و شکش برای کشتن پدر؟ اگر این نفس نفس زدن توجیه خیالی روانشناختی و دراماتیک ندارد جز فریب تماشاگر با چه هدفی در آن سکانس تعبیه شده؟

اگر آن صحنه ابتدایی که در آن جنازه مرد را میبینیم حذف شود چه چیزی برای فیلم باقی می ماند؟ اگر فیلمسازی در ابتدای فیلم انتهای ماجرا را لو میدهد باید با توسل به تعلیق از «چه‌ای» که لو رفته بگذرد و تماشاگر را به چگونگی برساند که البته کارگردان «آه سرد» ابدا چنین توانایی ای ندارد. سکانس سوءقصد با چاقو هم همین طور است، پسر چاقو میکشد دوربین از پشت به پدر نزدیک میشود، این بار فریب تماشاگر شاید «سرکار گذاشتن تماشاگر درست تر باشد» پرنگتر شده و پدر با نگاهی بهت زده برمیگردد و پشت سرش را نگاه میکند و درباره نماکات میشود به تصویری از پسر که کنار ماشینش ایستاده.

فیلمساز جاهایی از فیلم ناخودآگاه و خودآگاه به کسل کننده و تهی بودن فیلمش اقرار میکند. در جایی پدر میگوید که صحبت کردن کار سختی است، انگار سکوت کسل کننده ای که تصویر سینمایی جایش را نگرفته قرار است این طور توجیه شود. احتمالاً حرف زدن سخت است چون هوا سرد است جای دیگر هم صحبتی است که پسر با مشتری کافه دارد.

آنها درباره کشتن حرف میزنند و این که چرا این همه جنگ در جهان وجود دارد. صحبت های صد من یک غازی که قرار است جای خالی حرف نداشته فیلم را پر کنند و هیچ ربطی به ماجرا ندارند. اما «آه سرد» از کجا میآید و آه کیست؟ به نظرم با توجه به این که پدر در همه مسیر به دنبال جای گرم است و پسر به دنبال نوشیدنی سرد این آه پسر است که منطقا باید سرد باشد.

شوخی بس است؛ گفتم چندخطی بنویسم که یخمان بعد دیدن فیلم آب شود احتمالاً فیلم حرفهای بزرگ و خاصی داشته که امثال من سوادش را نداریم.

✽ **منتقد سینما**